

پژوهش‌های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی

سال پنجم، شماره پیاپی ۱۵، شماره چهارم، زمستان ۱۳۹۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۴/۶ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۲/۲۱

صص ۶۹-۷۸

## بررسی رابطه فقر روستایی و تخریب مراتع بخش مرکزی شهرستان فارس

الهه داودی فارسانی، دانشجوی کارشناسی ارشد ترویج کشاورزی، دانشگاه یاسوج، ایران

مهدی نوری پور، دانشیار، گروه مدیریت توسعه روستایی، دانشگاه یاسوج، ایران\*

### چکیده

در میان معضلات مسیر توسعه پایدار، دو مانع اساسی فقر و تخریب، به‌ویژه در کشورهای جهان سوم، به‌طور جدی مطرح‌اند. این دو عامل، بجز تأثیر منفی بر دستیابی به توسعه پایدار، با یکدیگر رابطه‌ای تعاملی دارند و یک بحران جدی توسعه کشورهای جهان سوم، تهدیدی برای محیط زیست جهانی هستند. پژوهش حاضر، با هدف بررسی رابطه فقر روستایی و تخریب مراتع در بخش مرکزی شهرستان فارس انجام شده است. شیوه تحقیق، پیمایشی بوده و با نمونه‌ای به حجم ۳۴۶ خانوار روستایی با ابزار پرسش‌نامه انجام شده است. صحت این پرسش‌نامه به‌وسیله متخصصان توسعه روستایی و پایایی آن نیز، با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ (که مقدار آن بالاتر از ۰/۷۰ شد) تأیید شده است. در این پژوهش، خط فقر نسبی سرانه در منطقه مدنظر، در سال ۱۳۹۳ حدود ۱۲۱۳۰۰۰ ریال محاسبه شد که باتوجه به نتایج پژوهش، حدود ۱۴ درصد از پاسخگویان فقیر بودند. همچنین، نتایج پژوهش، میزان زیاد تخریب مراتع را در این منطقه نشان می‌دهد و دراین‌میان، میزان تخریب مراتع به‌وسیله پاسخگویان فقیر، به‌طرز معناداری، بیشتر از پاسخگویان غیرفقیر است.

کلیدواژه‌ها: فقر روستایی، تخریب، مراتع، فارس.

## مقدمه و بیان مسأله

فقر نخستین آسیب اجتماعی است، که قدمتی برابر با تاریخ بشر دارد و بسیاری از مشکلات اجتماعی پیامد آن است (حمزه‌ای و همکاران، ۱۳۹۱: ۲۴۰-۲۱۱). در هر عصری، نیک‌اندیشان و خیرخواهان به تناسب درک و فهم زمانه، در پی حل آن بوده‌اند و مقابله با آن، موضوع اصلی تمامی ادیان توحیدی نیز، بوده است (رحیمی، ۱۳۸۰: ۲۲۱-۲۱۴).

بنابراین، فقر از پدیده‌هایی است که همیشه با جوامع انسانی همراه بوده است و در بیشتر کشورها، به‌ویژه کشورهای درحال توسعه، مسئله و مشکل مهمی برای دولت‌ها و به‌ویژه برنامه‌ریزان، به‌شمار می‌رود. در این میان، فقر در جوامع روستایی مشکل مهمی محسوب می‌شود که ذهن بسیاری از جامعه‌شناسان و صاحب‌نظران مسائل توسعه روستایی را، به خود معطوف کرده است. این فقر، به‌ویژه در کشورهای درحال توسعه، به‌صورت موضوعی حاد و بحرانی جلوه‌گر شده است. روستاییان، در این کشورها کمترین سهم را از منابع، سرمایه‌ها و امکانات ملی دارند و بدین لحاظ، فقر روستایی مسأله بزرگ توسعه انسانی و نیز یک معضل عمده زیست‌محیطی شده است. بسیاری از صاحب‌نظران معتقدند فقر روستایی امکان و توان بهره‌برداری صحیح و پایدار از منابع محیطی را از بین می‌برد؛ از این رو، موجب تشدید روند تخریب محیط زیست می‌شود (Bhattacharya, and Innes, 2006).

به‌عبارت‌دیگر، یکی از جنبه‌ها و اثرات مهم فقر که در سال‌های اخیر به آن توجه شده، تأثیر آن بر تخریب محیط زیست است. فقر چرخه خاصی دارد و عامل مهمی در تخریب محیط زیست، به‌شمار می‌رود. این پدیده جغرافیایی، به اشکال مختلف، مانند استفاده از منابع طبیعی (هیزم، فضولات حیوانی و مانند اینها) برای سوخت؛ چرای بی‌رویه دام؛ تغییر کاربری اراضی جنگلی و مرتعی به اراضی زراعی؛ استفاده بی‌رویه از کود شیمیایی برای حاصلخیزی زمین و برداشت بیشتر محصول، باعث نابودی بنیان‌های حیات در اکوسیستم جهانی

می‌شود (فیروزآبادی و عظیم زاده، ۱۳۹۱: ۱۲۰-۹۹).

باتوجه به این مطالب، همچنین ارتباط بین فقر و تخریب مراتع، موضوع تخریب مراتع، در مناطق کمتر توسعه‌یافته گسترگی بیشتری دارد و اهمیت آن بیشتر است، زیرا درصد افراد فقیر در این مناطق بیشتر، و در نتیجه میزان صدمه و تخریب مراتع در آنها بیشتر است. به‌طورکلی، در بعضی از مناطق کشور، تحقیقات میدانی چندانی در زمینه رابطه بین فقر روستایی و تخریب مراتع، انجام نشده، یکی از این مناطق، استان چهارمحال و بختیاری است. براین‌اساس، در مقاله حاضر، رابطه بین فقر روستایی و تخریب مراتع، در یکی از مناطق این استان، یعنی بخش مرکزی شهرستان فارس، بررسی شده است. اهداف اختصاصی این پژوهش عبارت‌اند از:

- ۱- شناسایی و مقایسه ویژگی‌های جمعیت‌شناختی پاسخگویان فقیر و غیرفقیر،
- ۲- شناسایی رابطه بین فقر و تخریب مراتع مربوط به دام و دامداری و
- ۳- شناسایی رابطه بین فقر و تخریب مراتع مربوط به قطع و برداشت.

## پیشینه پژوهش

تخریب مراتع و فقر، هر دو از مسائل مهم جهانی‌اند، که اغلب به‌طور جداگانه بررسی می‌شوند؛ بنابراین، باتوجه به ماهیت موضوع پژوهش، تاریخچه علمی آنها در ۳ قسمت مطالعات در زمینه فقر؛ تخریب مراتع؛ و در نهایت، رابطه فقر و تخریب مراتع، ارائه می‌شود.

از جمله پژوهش‌های انجام‌شده درباره فقر، تحقیق عمرانی و همکاران (۱۳۸۸) است. آنها در این تحقیق، عوامل تعیین‌کننده فقر و تغییرات رفاهی را در خانوارهای روستایی منطقه سیستان (شهرستان زابل) بررسی کرده‌اند. برای تحلیل این عوامل، از متغیرهای مربوط به ویژگی‌های سرپرست خانوار، ترکیب سنی فرزندان و همچنین مجذور بعد خانوار

این منابع ذکر کرده‌اند. همچنین رودگر می و همکاران (۱۳۹۰) در تحقیق «بررسی عوامل اجتماعی اقتصادی مؤثر در تخریب منابع طبیعی استان تهران» نشان داده‌اند مهم‌ترین عامل تشکیلاتی مؤثر در تخریب منابع طبیعی، کمبود نیرو و امکانات برای کنترل عرصه‌های منابع طبیعی است. نتیجه دیگر این پژوهش، رابطه محکم و معکوسی است که بین وسعت اراضی کشاورزی مربوط به مراتع تحت سلطه سودجویان، میزان تخریب مراتع در هر منطقه وجود دارد. نتایج تحقیق سیداخلاقی شال و همکاران (۱۳۹۱) نشان می‌دهد عوامل مربوط به دام و دامداری (افزایش تعداد دام؛ افزایش تعداد دامدار؛ چرای زودرس؛ چرای سنگین؛ چرای طولانی و رقابت در چرا) و عوامل مربوط به قطع و برداشت (بوت‌کنی؛ شاخه‌زنی؛ زغال‌گیری؛ قطع درختان؛ آتش‌سوزی؛ قاچاق چوب و برداشت محصولات فرعی) باعث تخریب منابع طبیعی می‌شوند. به این منظور، هاریس<sup>۲</sup> (۲۰۰۹) در تحقیق خود «بررسی میزان و علل تخریب مراتع در فلات شانگ‌های» عواملی مانند تغییرات آب و هوایی؛ افزایش جمعیت؛ چرای بیش از حد دام‌ها و افزایش تعداد دام‌ها را علل اصلی تخریب مراتع دانست. لی<sup>۳</sup> و همکاران (۲۰۱۱) در تحقیق «بررسی عوامل مؤثر بر تخریب مراتع، با توجه به تغییر شرایط آب‌وهوایی در مغولستان و چین» عوامل تأثیرگذار بر تخریب مراتع را ۳ عامل کلی دانستند. این عوامل شامل عوامل بیوفیزیکی (نوسانات آب‌وهوایی، شرایط بد خاک و...) عوامل اجتماعی (رشد جمعیت، نا آگاهی مردم و...) و عوامل اقتصادی (فقر، بیکاری و...) هستند. احمدی و همکاران (۲۰۱۲) نیز، در پژوهش «رویکردهای تخریب مراتع و مدیریت آن در پاکستان و بلوچستان» عواملی مانند استفاده از مراتع برای سوخت؛ مصالح ساختمانی؛ محصولات صنعتی و نوسانات آب‌وهوایی را علل اصلی تخریب مراتع دانستند.

استفاده شده است. نتایج نشان داده سن سرپرست خانوار؛ ترکیب سنی فرزندان خانوار؛ مجذور بعد خانوار و همچنین نسبت افراد درآمدزا به بعد خانوار، از مهم‌ترین عوامل تعیین‌کننده فقر در مناطق روستایی شهرستان زابل است. البرز و همکاران (۱۳۸۶) در پژوهش خود، عوامل مؤثر بر فقر را بررسی کرده‌اند. نتایج این تحقیق نشان داده وضعیت مسکن؛ اشتغال؛ سواد؛ جنسیت سرپرست؛ بعد خانوار و تأهل، متغیرهای مهمی هستند که در احتمال فقیر یا شبه‌فقیر بودن فرد، تأثیر به‌سزایی دارند. همچنین، نتایج نشان داده احتمال فقیر بودن برای زنان و مردان با بعد خانوار یک، بسیار کمتر از زنان یا مردان با بعد خانوار ۵ یا بیشتر است. پورطاهری و همکاران (۱۳۸۹) ریشه‌های اقتصادی و اجتماعی فقر روستایی را بررسی کرده‌اند. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد عوامل اقتصادی در مقایسه با عوامل اجتماعی نقش بیشتری در شکل‌گیری فقر در منطقه مورد نظر دارند. موخرجی و بنسون<sup>۱</sup> (۲۰۰۳) نیز، کشور مالای را با هدف شناخت عوامل‌های تعیین‌کننده فقر خانوارهای شهری و روستایی بررسی کرده‌اند. نتایج پژوهش آنها نشان داده است میزان تحصیلات و تخصیص مجدد نیروی کار، به‌ویژه زنان، در خارج از بخش کشاورزی و در بخش‌های تجارت و خدمات، فقر را در مالای کاهش می‌دهد.

در زمینه تخریب مراتع، انصاری و همکاران (۱۳۸۷) تحقیقی با نام: «عوامل اجتماعی اقتصادی مؤثر بر تخریب منابع طبیعی کشور ایران، و سهم آنها در تخریب این منابع در ۱۱ استان کشور» انجام داده‌اند. نتایج این پژوهش، نشان می‌دهد از نظر بهره‌برداران، امور مربوط به دام و دامداری، بیشترین سهم را در تخریب مراتع دارند. آنها به نقل از ریاضی در تحقیق «عوامل اجتماعی اقتصادی مؤثر در تخریب منابع طبیعی کشور، و سهم آنها در تخریب» مهم‌ترین عوامل تخریب را فقر و زندگی ابتدایی مردم؛ ناآگاهی آنها؛ دام‌گذاشتن زیاد؛ چرای بی‌رویه؛ سودجویی‌ها و بی‌توجهی به ارزش‌های واقعی

<sup>2</sup> Harris

<sup>3</sup> Li

<sup>4</sup> Ahmad

<sup>1</sup> Mukherjee and Benson

رسیده‌اند که افزایش تولید محصولات کشاورزی، از طرفی باعث کاهش فقر، و از طرف دیگر، منجر به تخریب مراتع می‌شود. اوموتا<sup>۴</sup> (2011) در مقاله «فقر و کیفیت محیط زیست در دلتای نیجریه» نشان داده است افراد پردرآمد از راه انرژی‌هایی مانند برق و گاز، و افراد کم‌درآمد از طریق سوزاندن کود؛ چوب درختان؛ ضایعات محصولات و زغال چوب سوخت خود را تأمین می‌کنند. بنابراین، این افراد فقیر، محیط زیست را تخریب می‌کنند. نتایج پژوهش لوپز<sup>۵</sup> و همکاران (2012) در مکزیک، نشان می‌دهد خانواده‌هایی مرفه نسبت به خانواده‌های فقیرتر، وابستگی کمتری به استخراج مراتع دارند. احمد (2012) نیز در تحقیق «رشد اقتصادی در هند: بررسی رابطه بین فقر و تخریب محیط زیست» نتیجه گرفته است افزایش فعالیت‌های اقتصادی مانند کشاورزی و تولید، باعث تهدید زمین و تخریب منابع طبیعی می‌شود. او همچنین، دلیل مهم و اصلی تخریب منابع طبیعی را فقر و ناآگاهی نسبت به محدودیت این منابع معرفی کرده و گفته است یک رابطه مثبت و معنادار، بین فقر و تخریب منابع طبیعی وجود دارد.

#### چارچوب نظری تحقیق

کارشناسان و نظریه پردازان توسعه، از دهه 1980 در پی بروز کاستی‌های مدل کلاسیک توسعه و رفع پیامدهای آن (فقر فزاینده؛ بیکاری؛ فجایع زیست محیطی و...) مفهوم توسعه پایدار را در جهان مطرح کردند. براساس تعریف کمیسیون برانت لند در سال 1987 توسعه پایدار، استفاده از منابع طبیعی برای رفع نیاز کنونی بشر، بدون لطمه‌زدن به نیازهای آیندگان است. بنابراین، حفظ استانداردهای زیست محیطی و تلاش برای کاستن مضرات زیست محیطی توسعه، عنصر جدایی‌ناپذیر توسعه پایدار است (گلکار، ۱۳۸۲). به عبارت دیگر، متون مربوط به توسعه پایدار، نشان می‌دهد در هزاره سوم میلادی بروز معضلات محیط زیست و روند فزاینده آن،

شرفی‌نیا و همکاران (۱۳۹۰) در زمینه ارتباط فقر و تخریب مراتع، تحقیقی انجام داده‌اند. این تحقیق «نقش فقر اجتماعی و اقتصاد روستایی، بر تخریب محیط زیست در بخش شیب‌آب شهرستان زابل» است. نتایج نشان می‌دهد عامل فقر اقتصادی و احساس نیاز به تأمین ضروریات زندگی باعث نگرانی بیش از حد دام در فضای محدود مرتع و در نتیجه، موجب تخریب مراتع می‌شود. فیروزآبادی و عظیم‌زاده (۱۳۹۱) در تحقیق «فقر روستایی و تخریب محیط زیست در روستاهای سرخون و بیدله، از توابع استان چهارمحال و بختیاری» به این نتیجه رسیده‌اند که تخریب محیط زیست در این منطقه، ناشی از طرز عملکرد خانوارهای فقیر نبوده است و فعالیت‌های صنعتی، بیشترین تأثیر را بر تخریب محیط زیست داشته‌اند. همچنین دورائپاه<sup>۱</sup> (1999) در تحقیق «بررسی رابطه بین فقر و تخریب محیط زیست» نشان داد رابطه مستقیمی بین فقر و تخریب محیط زیست، وجود دارد. او بیان کرده است فقرای روستایی، به روشی غیراصولی از سموم و آفت‌کش‌ها استفاده می‌کنند که این عامل، ضمن اینکه درازمدت، بی‌اثر می‌شود، به انقراض گونه‌های مفید حشرات و گیاهان سودمند، و آلودگی آب و خاک می‌انجامد. نتیجه نهایی این امر، تشدید فقر برای روستاییان فقیر است، چراکه منابع محیطی خود را بسرعت از دست می‌دهند. اسویتون<sup>۲</sup> و همکاران (2003) در پژوهش «فقر و محیط زیست در آمریکای لاتین» نشان داده‌اند فقر موجب تخریب مراتع؛ تخریب خاک؛ از بین رفتن تنوع زیستی؛ صید ماهیان و استفاده از آفت‌کش می‌شود. باتاچریا و اینس (2006) در پژوهش «آیا بین فقر و محیط زیست در مناطق روستایی کشور هند، رابطه وجود دارد؟» نتیجه گرفته‌اند میان فقر و تخریب پوشش گیاهی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. کاساهان<sup>۳</sup> و همکاران (2008) نیز، در پژوهش «بررسی تأثیر تخریب مراتع در تولید محصولات و معیشت در شرق اتیوپی» به این نتیجه

<sup>1</sup> Duraiappah

<sup>2</sup> Swinton

<sup>3</sup> Kassahun

<sup>4</sup> Omuta

<sup>5</sup> Lopez

بارها آزموده شده‌اند و از آنها انتقاد شده است، چنان‌که اکنون، بسیاری از طرفداران آنها تصدیق می‌کنند مردم، به‌ویژه فقرا باید در اولویت قرار بگیرند. باوجود شباهت‌های میان این دو روش، در شیوه زیست‌محیطی، بجز بیان آثار منفی شیوه معیشت فقرا بر تخریب محیط زیست، بر آثار توسعه و طرح‌های توسعه‌ای بر محیط زیست نیز، تأکید می‌شود. درواقع، تفکر محیط زیستی روشی بلندمدت و همراه با ارزشمند دانستن حقوق آیندگان دارد، درحالی‌که تفکر توسعه‌ای روشی میان‌مدت دارد که در آن، منافع آیندگان در تحلیل‌های مرسوم اقتصادی هزینه‌سود نادیده گرفته می‌شود. سومین شیوه تفکر معیشتی از نظر چمبرز، مستلزم معکوس‌سازی یا برگرداندن جریانی است که ناگهان، به‌صورت موضوعی جدی به آن، توجه شده است. در این شیوه، آنچه اهمیت دارد و باید در اولویت باشد، معیشت مردم، به‌ویژه فقرا است. بنابراین، نخستین اولویت، نه محیط زیست و بهره‌وری، بلکه تأمین معیشت فقرا با تأکید بر رفع نیازهای اساسی کوتاه‌مدت و امنیت آنان در بلندمدت است (فیروزآبادی و عظیم‌زاده، ۱۳۹۱: ۹۹-۱۲۰).

#### فرضیه تحقیق

با تکیه بر این مباحث تئوریک، این فرضیه مطرح می‌شود: بین فقر و میزان تخریب مراتع، در بخش مرکزی شهرستان فارس، رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.

#### روش‌شناسی

##### موقعیت جغرافیایی

شهرستان فارس با مساحت ۲۲/۵۵۹ کیلومتر مربع، در شمال غربی استان چهارمحال و بختیاری قرار دارد و براساس آخرین سرشماری سال ۱۳۹۰ جمعیت نقاط روستایی این شهرستان ۳۱۹۴۱ نفر (۸۵۹۹ خانوار) بوده است. همچنین، براساس آخرین تقسیمات کشوری این شهرستان شامل ۳ بخش مرکزی، باباحیدر و جونقان و ۵ دهستان و ۲۳ روستا است. این شهرستان، منطقه‌ای جلگه‌ای و حاصلخیز، باصفا و معتدل

دغدغه اصلی سازمان‌های بین‌المللی، اندیشمندان و مراکز علمی و تحقیقاتی است و انسان، عامل تأثیرگذار و قربانی این بحران (افتخاری و همکاران، ۱۳۸۹: ۶۶-۷۷) درحالی‌که نقش فقر (که خود، علت و معلول تخریب محیط است) در سال ۱۹۷۲ بعد از برگزاری کنفرانس سازمان ملل متحد درباره محیط زیست انسانی در جهان پذیرفته شد و از آن زمان بعد، پژوهش‌هایی در این زمینه، انجام شده است. ازجمله رویکردهای مطرح شده درباره فقر و محیط زیست، نظریه مارپیچ نزولی فقر و محیط زیست است. هم‌پوشانی ضمنی مفاهیم رشد جمعیت و حاشیه‌ای شدن اقتصادی در حیطه بررسی‌های فقر محیط زیست، موجب پیدایش نظرهایی منفی شده است که معتقدند جوامع فقیر، در مواجهه با مسائلی از قبیل رشد جمعیت و مشکلات اقتصادی، با مارپیچی نزولی روبه‌رو هستند. به اعتقاد فرسیث و لیچ<sup>۱</sup> (۱۹۹۸) در این نظریه، این نکات فرض می‌شوند: الف) رابطه جمعیت و محیط زیست متقابل و دوسویه است؛ ب) معیشت مردم صرفاً براساس استفاده از منابع طبیعی و مدیریت آن است؛ ج) فقر و تغییرات زیست‌محیطی، باهم رابطه‌ای علی و مستقیم دارند و یکدیگر را در بعضی جریان‌های علت و معلولی تقویت می‌کنند و د) فقر، دلیل اصلی یا یگانه دلیل تغییر (تخریب محیط زیست) است و بر عکس؛ چنان‌که در پایان نیز، این رابطه دوطرفه، فقر و ویرانی محیط زیست را تشدید می‌کنند. همچنین، چمبرز<sup>۲</sup> چهار شیوه تفکر را در گفتمان غالب محیط زیست، توسعه و فقر، از یکدیگر متمایز می‌کند و در نوع چهارم، نظریه خود را شرح می‌دهد. این چهار شیوه عبارت‌اند از: تفکر محیط زیستی<sup>۳</sup>؛ تفکر توسعه‌ای<sup>۴</sup>؛ تفکر معیشتی<sup>۵</sup> و تفکر معیشتی پایدار<sup>۶</sup>. تفکر محیط زیستی و توسعه‌ای، هر دو روش‌های تخصصی مرسوم را بیان می‌کنند. این دو روش،

<sup>۱</sup> Forsyth & Leach

<sup>۲</sup> Chambers

<sup>۳</sup> Environment Thinking

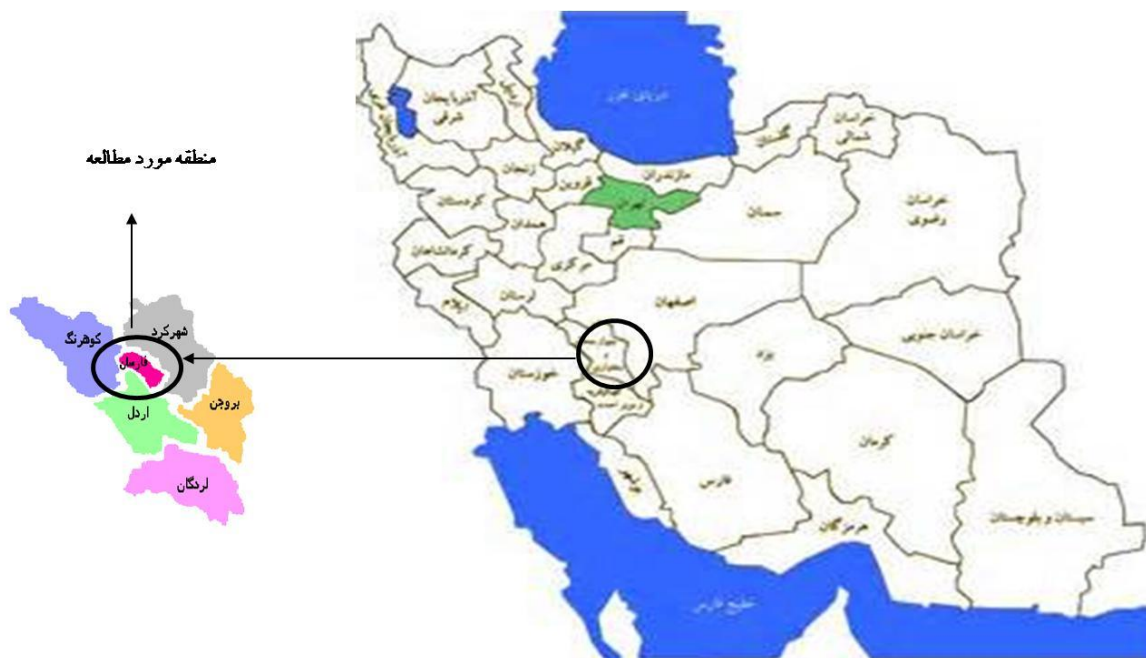
<sup>۴</sup> Development Thinking

<sup>۵</sup> Livelihood Thinking

<sup>۶</sup> Sustainable Livelihood Thinkng

با آب‌وهوای کوهستانی است. مساحت مراتع این شهرستان ۳۷۰۰۰ هکتار است که ۳/۳۵ درصد از مساحت کل مراتع

استان چهار محال و بختیاری را شامل می‌شود (دفتر آمار و اطلاعات معاونت برنامه‌ریزی استانداری چهارمحال و بختیاری، ۱۳۹۰).



شکل ۱- موقعیت منطقه مورد مطالعه در نقشه

تحقیق حاضر، از لحاظ هدف، کاربردی، از لحاظ میزان و درجه کنترل متغیرها میدانی و از نظر روش‌شناسی از دسته تحقیقات همبستگی بوده است. نحوه جمع‌آوری داده‌ها پیمایش و ابزار گردآوری آنها نیز، پرسش‌نامه‌ای ساختارمند مشتمل بر ۳ بخش بوده است. در بخش نخست، میزان تخریب مراتع، در بخش دوم، برای بررسی وضعیت فقر، دارایی‌های اقتصادی (درآمدها و هزینه‌های خانوار) و در بخش پایانی (پرسش‌نامه) نیز، اطلاعات جمعیت‌شناختی بررسی شده است. مراحل انجام این تحقیق به این شرح است: سنجش فقر: با توجه به اینکه در تعریف فقر، مفهوم مطلق یا نسبی بودن در نظر گرفته شود، آستانه‌ای تعریف می‌شود که مرز بین فقیران و سایر افراد جامعه را مشخص می‌کند. این آستانه، خط فقر نامیده می‌شود (ارضوم چیلر، ۱۳۸۴).

بر اساس تعریف، خط فقر مطلق عبارت است از مقدار

درآمدی که با توجه به زمینه‌های فرهنگی؛ اجتماعی؛ اقتصادی جامعه مورد نظر، برای تأمین حداقل نیازهای افراد (مانند غذا؛ پوشاک؛ مسکن و...) لازم است، یا دست‌کم وضعیتی مانند حداقل میزان درآمد؛ تحصیلات؛ مسکن و... است که فقدان آنها موجب می‌شود فرد، فقیر دانسته شود. این روش تعیین خط فقر را روش نیازهای اساسی نیز می‌گویند. از سوی دیگر، خط فقر نسبی هم، درصد معینی از درآمد جامعه یا میانگین درآمد آن، یا یک میزان از درآمد است که درصد معینی از افراد جامعه، پایین‌تر از آن قرار می‌گیرند (ابوالفتحی قمی، ۱۳۷۱).

در محاسبات مربوط به فقر، با توجه به وضعیت اجتماعی و کم‌گویی درباره درآمدها، استفاده از مخارج کل خانوار، منطقی‌تر است (افتخاری، ۱۳۹۰). در این مقاله نیز، از مفهوم خط فقر نسبی استفاده شده است. برای محاسبه آن، روش‌های متفاوتی مانند اندازه‌گیری خط فقر، بر اساس ۵۰ یا ۶۶ درصد

بوده است. جامعه آماری پژوهش، شامل ۳۵۰۲ خانوار روستایی در بخش مرکزی شهرستان فارس بوده است و سرپرست خانوارها پاسخگوی سؤالات بوده‌اند. باتوجه به اینکه در مطالعات مربوط به فقر، خانوار، واحد تحلیل است، درحقیقت، جامعه مدنظر ما شامل ۳۵۰۲ خانوار ذکر شده بوده است. براساس جدول نمونه‌گیری کرجسی و مورگان (Patten, 2002) تعداد ۳۴۶ خانوار، برای نمونه آماری انتخاب و سپس به نسبت جمعیت روستاها بین آنها تقسیم شده‌اند. با توجه به نسبت بین جمعیت روستاها شیوه نمونه‌گیری طبقه‌بندی تصادفی با انتساب متناسب به کار گرفته شد. برای تجزیه و تحلیل اطلاعات کمی و آزمودن فرضیه‌ها از روش‌های آمار توصیفی و استنباطی مانند توزیع فراوانی و تی تست مستقل<sup>۱</sup> با استفاده از نرم‌افزار SPSS در محیط ویندوز، و همچنین، برای برآورد خط فقر نسبی به این روش، از نرم افزار Excel استفاده شده است.

#### یافته‌ها

##### معرفی ویژگی‌های جمعیت‌شناختی پاسخگویان

در این مقاله، وضعیت سن، جنسیت، تأهل، تحصیلات؛ اشتغال؛ بعد خانوار؛ نسبت افراد شاغل به بعد خانوار؛ وضعیت درآمد و مخارج خانوار افراد پاسخگو، بررسی شده، که نتایج آن در جدول (۱) آورده شده است. اکثر پاسخگویان، در گروه سنی ۵۰-۴۱ سال قرار گرفته‌اند (۲۹/۱ درصد) در حالی که گروه سنی ۳۰-۲۰ سال، کمترین فراوانی را در میان گروه‌های سنی مدنظر دارند (۸/۲ درصد). همچنین، باتوجه به جدول، مشخص است که اکثر پاسخگویان (سرپرستان خانوارها) مرد (۹۰/۲ درصد) و حدود ۹ درصد زن هستند. درباره وضعیت تأهل پاسخگویان، مشخص شد اکثر افراد متأهل (۸۷ درصد) و سایر افراد مجرد هستند (۱۳ درصد). در جدول (۱) وضعیت تحصیلات پاسخگویان نیز، در قالب ۵ گروه بررسی شده است. این جدول، نشان می‌دهد حدود

میانگین مخارج خانوارها، روش تعیین خط فقر، براساس ۵۰ یا ۶۰ درصد میانگین مخارج خانوارها و روش تعیین خط فقر، براساس معکوس ضریب انگل، ارائه شده است (خداداد کاشی و همکاران، ۱۳۸۴: ۲۸-۱). همچنین، از روش اندازه‌گیری خط فقر، براساس ۵۰ درصد میانگین مخارج خانوارها نیز، استفاده شده است. در این روش، برای سنجش فقر و گروه‌بندی افراد، ابتدا با استفاده از فرم هزینه درآمد خانوار، کل هزینه‌های ماهیانه مربوط به هر خانوار، شامل هزینه‌های خوراکی و هزینه‌های غیرخوراکی (هزینه پوشاک و کفش؛ آب؛ برق؛ تلفن؛ سوخت؛ تحصیل؛ بهداشت و درمان؛ مسکن؛ حمل و نقل؛ تفریحات و سرگرمی؛ خرید وسایل منزل؛ تعمیرات و...) مشخص و سپس میانگین مربوط به کل هزینه‌های همه خانوارها، محاسبه شده است. در مرحله بعد، ۵۰ درصد میانگین مخارج خانوار، محاسبه و سپس این عدد بر میانگین بعد خانوارها تقسیم و خط فقر سرانه، ارزیابی شده است. پس از تعیین خط فقر، با مقایسه هزینه‌های ماهیانه، افراد فقیر و غیرفقیر از هم تفکیک شدند؛ به طوری که افرادی که هزینه‌هایی بیشتر از خط فقر داشتند، غیرفقیر و افرادی که هزینه‌هایی کمتر از آن داشتند، فقیر محسوب شدند.

سنجش میزان تخریب مراتع: تخریب مرتع، شامل تأثیر روابط متقابل عوامل اقلیمی به خصوص، خشکسالی و فاکتورهای انسانی و حیوانات است که منجر به استفاده بی‌رویه از منابع طبیعی و کاهش میزان کمیت یا کیفیت غذایی رستنی‌ها و گیاهان موجود برای چرای دام می‌شود. این امر، در چارچوب زمانی کوتاه و با پیشرفت سریع، از میزان کم به متوسط، و سپس به میزان شدید رخ می‌دهد (IFAD, 2007). در این پژوهش، برای سنجش میزان تخریب، از طیف لیکرت استفاده شده و مصادیق تخریب مراتع، شامل عوامل مربوط به قطع و برداشت (میزان بوته‌کنی؛ میزان قطع و سرشاخه‌زنی درختان مراتع؛ میزان برداشت محصولات فرعی و میزان بهره‌برداری از گیاهان دارویی و خوراکی) و عوامل مربوط به دام و دامداری (چرای طولانی، چرای مفرط و خارج از فصل)

<sup>1</sup> Independent T- test

کمترین فراوانی (۲/۶ درصد) را دارند. همچنین، در نمونه مورد نظر (با نگاهی به جدول) باید گفت در اکثر خانوارها (۵۶/۶۵ درصد) نسبت افراد درآمدزا به بعد خانوار، بین ۰/۵-۲۵/۰ است. به عبارت دیگر، کمتر از نیمی از افراد هر خانوار درآمد دارند و این نشان می‌دهد که بار تکفل در اکثر خانوارها زیاد است. نکته‌ای مهم در این ارتباط، آن است که در جوامع روستایی، معمولاً زنان در کارهای زراعی و دامپروری فعال هستند، ولی به دلیل آنکه درآمد مستقلی ندارند، جزء افراد درآمدزا محسوب نمی‌شوند.

۲۵ درصد پاسخگویان، بدون تحصیلات و در بقیه خانوارها، پاسخگویان تحصیل کرده هستند. میانگین تعداد سال‌های تحصیل پاسخگویان ۷/۰۳ و انحراف معیار ۵/۰۳ است. همچنین، درباره میزان اشتغال پاسخگویان، نتایج نشان می‌دهد بیشترین فراوانی مربوط به شغل آزاد (رانندگی؛ کارهای ساختمانی؛ مغازه‌داری و...) است (۴۲/۵ درصد) و افراد کارمند، کمترین فراوانی را دارند (۱۰/۷ درصد).  
باتوجه به جدول (۱) میانگین بعد خانوار ۴/۶۷ نفر، با انحراف معیاری در حدود ۱/۹۳ است. بیشتر خانوارها (۵۹/۳ درصد) ۴ تا ۶ نفره هستند و خانوارهای ۱۰ تا ۱۲ نفره،

جدول ۱- ویژگی‌های جمعیت‌شناختی پاسخگویان

متغیر	سطوح متغیر	فراوانی	درصد	میانگین	انحراف معیار
سن	۲۰-۳۰	۲۸	۸/۲	۴۷/۹۷	۱۳/۹۷
	۳۱-۴۰	۷۳	۲۱/۳		
	۴۱-۵۰	۱۰۱	۲۹/۱		
	۵۱-۶۰	۵۸	۱۶/۶		
	۶۱-۷۰	۵۶	۱۶/۱		
	۷۱-۸۰	۳۰	۸/۷		
جنسیت	مرد	۳۱۲	۹۰/۲	-	
	زن	۳۴	۹/۸		
وضعیت تأهل	متأهل	۳۰۱	۸۷	-	
	مجرد	۴۵	۱۳		
تحصیلات	بدون تحصیلات	۸۶	۲۴/۸	۷/۰۳	۵/۰۳
	ابتدایی	۶۸	۱۹/۷		
	کمتر از دیپلم	۹۱	۲۶/۳		
	دیپلم	۷۵	۲۱/۶		
	دانشگاهی	۲۶	۷/۶		
	اشتغال	بیکار	۸۱	۲۳/۴	-
بعد خانوار	کارمند	۳۷	۱۰/۷		
	آزاد (راننده؛ کارهای ساختمانی؛ مغازه‌داری و...)	۱۴۷	۴۲/۵		
	کشاورزی، باغبانی و دامداری	۸۱	۲۳/۴		
	۱-۳	۸۵	۲۴/۵	۴/۶۷	۱/۹۳
	۴-۶	۲۰۵	۵۹/۳		
	۷-۹	۴۷	۱۳/۶		
نسبت افراد درآمدزا به بعد خانوار	۱۰-۱۲	۹	۲/۶		
	۰-۰/۲۵	۷۸	۲۲/۵۴	۰/۳۲	۰/۱۶
	۰/۲۶-۰/۵۰	۱۹۶	۵۶/۶۵		
	۰/۵۱-۰/۷۵	۶۲	۱۷/۹۲		
	۰/۷۶-۱	۱۰	۲/۸۹		

منبع: یافته‌های تحقیق



طبقه چهارم، با فراوانی ۳۷ خانوار (۱۰/۶۹ درصد) وجود دارد و میزان درآمد آنها بین ۱۵۰۰۰۰۰۱ تا ۲۰۰۰۰۰۰۰ ریال است. همان گونه که نتایج نشان می‌دهد، میانگین درآمد کل (ماهانه) در بین خانوارهای حدود ۱۴۴۷۰۰۰۰ ریال، با انحراف معیار ۱۰۹۱۰۰۰۰ ریال ارزیابی شده است.

برای تعیین وضعیت درآمد خانوارهای روستایی، درآمد آنها به ۵ دسته تقسیم شده است. همان طور که جدول (۲) نشان می‌دهد، بیشترین فراوانی در طبقه دوم، با فراوانی ۹۵ خانوار (۲۷/۱۶ درصد) است و میزان درآمد آنها بین ۵۰۰۰۰۰۱ تا ۱۰۰۰۰۰۰۰ ریال ارزیابی شد. همچنین، کمترین فراوانی در

جدول ۲- توزیع ماهیانه درآمد خانوار، بر حسب ریال

وضعیت درآمدی (ریال)	فراوانی	درصد	میانگین	انحراف معیار
کمتر از ۵۰۰۰۰۰۰	۵۵	۱۵/۹		
۵۰۰۰۰۰۱-۱۰۰۰۰۰۰۰	۹۴	۲۷/۱۶		
۱۰۰۰۰۰۰۱-۱۵۰۰۰۰۰۰	۷۹	۲۲/۸۳	۱۴۴۷۰۰۰۰	۱۰۹۱۰۰۰۰
۱۵۰۰۰۰۰۱-۲۰۰۰۰۰۰۰	۳۷	۱۰/۶۹		
بیش از ۲۰۰۰۰۰۰۱	۸۱	۲۳/۴۱		
کل	۳۴۶	۱۰۰		

منبع: یافته‌های پژوهش

فقر، از خط فقر مطلق یا نسبی استفاده می‌شود؛ بنابراین، به منظور تفکیک افراد فقیر و غیرفقیر، از خط فقر نسبی و برای محاسبه آن، از روش ۵۰ درصد میانگین هزینه کل ماهیانه خانوار، برای تفکیک افراد فقیر و غیرفقیر، از روش مقایسه کل مخارج ماهیانه هر فرد، با خط فقر مورد نظر، استفاده شده است. برای محاسبه خط فقر سرانه، ابتدا از طریق تکمیل پرسش‌نامه درآمد هزینه خانوار، که در سال ۱۳۹۳ در مناطق روستایی بخش مرکزی شهرستان فارس انجام شده، کل هزینه‌های ماهیانه برای هر خانوار (هزینه‌های خوراکی و غیرخوراکی) محاسبه شده است. پس از به دست آوردن میانگین، میانگین کل هزینه‌های خانوارها ۵۰ درصد در نظر گرفته شد، که با توجه به جدول (۳) میزان این هزینه‌ها ۱۱۳۳۴۰۰۰ ریال محاسبه شده است. در مرحله بعد، برای محاسبه خط فقر سرانه، از تقسیم خط فقر خانوار، بر میانگین بعد خانوار (۴/۶۷) استفاده شده و خط فقر سرانه ۱۲۱۳۰۰۰ ریال تعیین شده است. پس از آن، برای تفکیک افراد فقیر و غیرفقیر، از روش مقایسه کل هزینه‌های ماهیانه هر فرد، با خط فقر استفاده شده است، به این صورت که افرادی که

همان گونه که جدول (۳) نشان می‌دهد، میانگین هزینه‌های خوراکی خانوار ۵۴۴۰۰۰۰ ریال، با انحراف معیار ۲۳۴۰۰۰۰ ریال و میانگین هزینه‌های غیرخوراکی ۵۸۹۰۰۰۰ ریال، با انحراف معیار ۴۹۸۷۰۰۰ ریال است. همچنین میانگین و انحراف معیار کل هزینه‌های ماهیانه خانوار، به ترتیب ۱۱۳۴۰۰۰ ریال و ۷۰۴۰۰۰۰ ریال ارزیابی شده است.

جدول ۳- وضعیت هزینه‌های ماهیانه خوراکی، غیرخوراکی و هزینه

وضعیت هزینه	میانگین	انحراف معیار
خوراکی	۵۴۴۰۰۰۰	۲۳۴۰۰۰۰
غیرخوراکی	۵۸۹۰۰۰۰	۴۹۸۷۰۰۰
کل	۱۱۳۳۴۰۰۰	۷۰۴۰۰۰۰

منبع: یافته‌های پژوهش

### بررسی وضعیت فقر پاسخگویان

در این تحقیق، مخارج مصرفی خانوار، شاخص استاندارد زندگی بوده و خط فقر، با استفاده از آن، به منظور گروه‌بندی افراد فقیر و غیرفقیر، تعیین شده است. در تحقیقات مربوطه

به‌منظور مقایسه برخی ویژگی‌های جمعیت‌شناختی پاسخگویان، از آزمون تی مستقل استفاده شده است. همان‌طور که جدول (۵) نشان می‌دهد، از لحاظ سن، تفاوت معناداری میان پاسخگویان فقیر و غیرفقیر وجود دارد ( $t = 2/71$  و  $p = 0/007$ ). همچنین، باتوجه به جدول (۵) پاسخگویان فقیر و غیرفقیر، از نظر میزان تحصیلات، تفاوت معناداری باهم دارند و میزان تحصیلات افراد غیرفقیر، بیش از افراد فقیر است ( $t = -4/27$  و  $p = 0/001$ ).

گذشته از آن، باتوجه به همین جدول از لحاظ بعد خانوار، تفاوت معناداری میان پاسخگویان فقیر و غیرفقیر وجود دارد ( $t = 4/6$  و  $p = 0/000$ ) و ۲ گروه فقیر و غیرفقیر، از نظر نسبت افراد درآمدزا به بعد خانوار نیز، باهم تفاوت معناداری دارند ( $t = -3/58$  و  $p = 0/001$ ).

هزینه‌هایی بیشتر از خط فقر داشتند، غیرفقیر و افرادی که هزینه‌ای کمتر از آن داشتند، فقیر محسوب شدند. باتوجه به جدول (۴) ۴۸ نفر از پاسخگویان (۱۳/۹ درصد) هزینه‌هایی کمتر از این خط فقر داشتند و فقیر محسوب می‌شوند؛ در حالی که اکثر پاسخگویان (۸۶/۱ درصد) بالای خط فقر قرار می‌گیرند و غیرفقیر هستند.

جدول ۴- وضعیت فقر پاسخگویان

آزمودنی‌ها	فراوانی	درصد
فقیر	۴۸	۱۳/۹
غیر فقیر	۲۹۸	۸۶/۱
کل	۳۴۶	۱۰۰

منبع: یافته‌های تحقیق

#### مقایسه ویژگی‌های جمعیت‌شناختی پاسخگویان فقیر و غیرفقیر

جدول ۵- مقایسه ویژگی‌های جمعیت‌شناختی بین پاسخگویان فقیر و غیرفقیر

متغیر	پاسخگویان فقیر		پاسخگویان غیرفقیر		آماره t	سطح معناداری
	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار		
سن	۵۳	۱۳/۱۵	۴۷/۱۶	۱۳/۹۵	۲/۷۱	**۰/۰۰۷
تحصیلات <sup>a</sup>	۴/۲۱	۴/۵۹	۷/۴۸	۴/۹۶	-۴/۲۷	**۰/۰۰۱
بعد خانوار	۵/۸۳	۲/۰۱	۴/۴۹	۱/۸۵	۴/۶	**۰/۰۰۱
اشتغال <sup>b</sup>	۰/۵	۰/۵	۰/۸۱	۰/۳۹	-۴/۰۳	**۰/۰۰۱
نسبت افراد درآمدزا به بعد خانوار	۰/۲۵	۰/۱۵	۰/۳۴	۰/۱۶	-۳/۵۸	**۰/۰۰۱

a= برحسب سال

b= به صورت مجازی صفر (غیرشاغل) و یک (شاغل) بیان شده است.

\*\* تفاوت به میزان ۱ درصد معنادار است.

منبع: یافته‌های پژوهش

و برداشت، متغیر میزان بوته‌کنی برای سوخت، با میانگین ۳/۰۶ و انحراف معیار ۱/۱۱ رتبه نخست و متغیر میزان بهره‌برداری از محصولات فرعی، با میانگین ۲/۷۵ و انحراف معیار ۱/۲۳ رتبه دوم را دارد. همچنین، در بین عوامل مربوط به دام و دامداری، متغیر میزان استفاده از مراتع برای چرای دام، با میانگین ۳/۸۴ و انحراف معیار ۰/۸۳ رتبه نخست

#### بررسی وضعیت تخریب مراتع در منطقه

باتوجه به جدول (۶) متغیر تخریب مراتع، شامل ۲ بعد عوامل مربوط به قطع و برداشت، عوامل مربوط به دام و دامداری است. جدول (۶) رتبه گویه‌های مربوط به تخریب مراتع را نشان می‌دهد. همان‌طور که در این جدول مشاهده می‌شود، از ۱۰ زمینه در ۲ بعد برای اندازه‌گیری این متغیر، استفاده شده است. نتایج جدول نشان می‌دهد در بین عوامل مربوط به قطع

و متغیر میزان رعایت مدت زمان استفاده از مراتع، با میانگین ۳/۲۲ و انحراف معیار ۱/۲۹ رتبه آخر را دارد.

جدول ۶- اولویت بندی مصادیق تخریب مراتع

ابعاد	گویه‌ها	میانگین*	انحراف معیار	ضریب تغییرات	اولویت در بعد
قطع و برداشت	میزان بوته‌کنی برای سوخت	۳/۰۶	۱/۱۱	۰/۳۶۲	۱
	میزان استفاده از مراتع برای پرورش زنبور عسل	۳/۱۵	۱/۲۲	۰/۳۸۷	۲
	میزان بهره‌برداری از گیاهان دارویی و خوراکی	۲/۹۲	۱/۱۵	۰/۳۹۳	۳
	میزان قطع و سرشاخه زنی درختان مراتع	۲/۹۷	۱/۲۵	۰/۴۲۰	۴
	میزان استفاده از چوب درختان برای مصالح ساختمانی	۳/۰۱	۱/۲۷	۰/۴۲۱	۵
	میزان استفاده از چوب درختان برای تهیه زغال	۲/۹۰	۱/۲۵	۰/۴۳۱	۶
	میزان برداشت محصولات فرعی	۲/۷۵	۱/۲۳	۰/۴۴۷	۷
کل	۲/۹۶	۰/۹۴	۰/۳۱۷	-	
دام و دامداری	میزان استفاده از مراتع برای چرای دام	۳/۸۴	۰/۸۳	۰/۲۱۷	۱
	میزان رعایت فصل مناسب چرا**	۳/۷۲	۰/۹۲	۰/۲۴۰	۲
	میزان رعایت مدت زمان مناسب استفاده از مراتع**	۳/۲۲	۱/۲۹	۰/۴۰	۳
	کل	۳/۵۹	۰/۶۳	۰/۱۷۵	-
	مجموع	۳/۲۷	۰/۷۲	-	-

منبع: یافته‌های پژوهش.

\* دامنه میانگین از خیلی کم= ۱ تا خیلی زیاد= ۵ است.

\*\* نمره‌دهی گویه از خیلی زیاد= ۱ تا خیلی کم= ۵ است.

### مقایسه میانگین میزان تخریب مراتع، براساس فقر

#### پاسخگویان

برای مقایسه میانگین تخریب مراتع در بین پاسخگویان فقیر و غیرفقیر، از آزمون تی مستقل استفاده شده است.

همان‌طور که در جدول (۷) مشاهده می‌شود، به‌طورکلی،

از لحاظ میانگین میزان تخریب مراتع، بین ۲ گروه فقیر و

غیرفقیر، تفاوت معناداری وجود دارد ( $t = 4/56$  و  $p = 0/001$ ) همچنین، این پاسخگویان از نظر عوامل مربوط به قطع و برداشت نیز، باهم تفاوت معناداری دارند ( $t = 4/29$  و  $p = 0/001$ ) درحالی‌که از نظر عوامل مربوط به دام و دامداری، تفاوت معناداری بین آنها وجود ندارد.

جدول ۷- مقایسه میزان تخریب مراتع بین پاسخگویان فقیر و غیرفقیر

متغیر	پاسخگویان فقیر		پاسخگویان غیرفقیر		آماره t	سطح معناداری
	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار		
عوامل مربوط به دام و دامداری	۳/۶۴	۰/۶۱	۳/۵۸	۰/۶۳	۰/۶۰	<sup>ns</sup> ۰/۵۳
عوامل مربوط به قطع و برداشت	۳/۴۹	۰/۸۶	۲/۸۸	۰/۹۳	۴/۲۹	** ۰/۰۰۱
تخریب کل	۳/۵۶	۰/۵۸	۳/۲۳	۰/۶۱	۴/۵۶	** ۰/۰۰۱

\*\* تفاوت به میزان ۱ درصد معنادار است.

<sup>ns</sup> تفاوت معنادار نیست.

منبع: یافته‌های پژوهش.

## بحث و نتیجه

باتوجه به نتایج این پژوهش، در سال ۱۳۹۳ خط فقر سرانه برای مناطق روستایی، حدود ۱۲۱۳۰۰۰ ریال محاسبه شده است. همچنین، نتایج نشان می‌دهد حدود ۱۴ درصد پاسخگویان، فقیر بوده‌اند در حالی که اکثر آنها چنین نیستند. مقایسه میانگین پاسخگویان فقیر و غیرفقیر، براساس متغیرهای جمعیت‌شناختی نشان می‌دهد این پاسخگویان از لحاظ سن تفاوت معناداری دارند و میانگین سنی پاسخگویان فقیر، بیشتر از پاسخگویان غیرفقیر است. به عبارت دیگر، با افزایش سن افراد، احتمال فقیر شدن آنها به دلیل شروع شدن سال‌های کهولت و بازنشستگی افزایش می‌یابد. این نتیجه تحقیق، با نتیجه مطالعات عمرانی و همکاران (۱۳۸۸) و گارتون (۱۹۹۶) مطابقت دارد. همچنین، این پاسخگویان فقیر و غیرفقیر از لحاظ میزان تحصیلات نیز، تفاوت معناداری باهم دارند؛ چنان‌که میزان تحصیلات افراد غیرفقیر بیش از افراد فقیر است. در واقع، تحصیلات عاملی برای ایجاد اشتغال افراد و کسب درآمد، و در نتیجه کاهش فقر آنها است، که این نتیجه، با نتیجه مطالعات البرز و همکاران (۱۳۸۶) خداداد کاشی (۱۳۷۷) و رحیمی و محمدی (۱۳۸۶) مطابقت دارد.

از طرف دیگر، از نظر بعد خانوار هم تفاوت معناداری میان این پاسخگویان وجود دارد؛ چنان‌که افزایش بعد خانوار، منجر به افزایش فقر پاسخگویان می‌شود. همچنین از نظر وضعیت اشتغال، پاسخگویان فقیر و غیرفقیر تفاوت معناداری دارند؛ و این یافته، با نتیجه تحقیقات رحیمی و محمدی (۱۳۸۶) نجفی و شوشتریان (۱۳۸۶) و افتخاری (۱۳۹۰) مطابقت دارد.

گروه فقیر و غیرفقیر از لحاظ نسبت افراد درآمدزا به بعد خانوار، باهم تفاوت معناداری دارند و نسبت افراد درآمدزا به بعد خانوار، تأثیر معناداری بر کاهش فقر افراد دارد؛ زیرا با افزایش نسبت این افراد، درآمد خانوار افزایش و احتمال ابتلا به فقر در آنها کاهش می‌یابد. این نتیجه نیز، با نتایج مطالعات نجفی و شوشتریان (۱۳۸۶) مطابقت دارد.

از جمله یافته‌های دیگر این پژوهش، بررسی وضعیت تخریب مراتع در منطقه مورد نظر بوده، که میانگین کلی آن، در دامنه ۱ تا ۵ برابر با ۳/۲۷ و انحراف معیار ۰/۷۲ بوده است. این موضوع، میزان زیاد تخریب منطقه را نشان می‌دهد و باتوجه به نتایج، میانگین میزان تخریب مراتع به وسیله پاسخگویان فقیر، به طرز معناداری بیشتر از پاسخگویان غیرفقیر بوده است؛ به طوری که میزان تخریب پاسخگویان فقیر، بیشتر از پاسخگویان غیرفقیر است. این یافته، با نتایج تحقیقات تقی‌زاده رنجبری و مهرجردی (۱۳۹۲) براکلسبی و هینشلود<sup>۱</sup> (۲۰۰۱) اسوینتون و همکاران<sup>۲</sup> (۲۰۰۳) و اموتا (۲۰۱۱) مطابقت دارد. به عبارت دیگر، فقر روستایی، ضعف بنیه اقتصادی بهره‌وری روستایی و کم بودن متوسط درآمد سالانه خانوارهای روستایی، سبب استفاده بی‌رویه از مراتع، به شکل‌هایی مانند چرای بیش از حد دام‌ها؛ بوته‌کشی برای سوخت؛ فروش محصولات فرعی، خوراکی و دارویی مراتع و... می‌شود.

## منابع

ابوالفتحی قمی، ا. (۱۳۷۱). درآمدی بر شناخت شاخص‌های نابرابری درآمدی و فقر، تهران: مرکز آمار ایران.

ارضروم چیلر، ن. (۱۳۸۴). «ابعاد گوناگون فقر در ایران»، مجموعه پژوهش‌های اقتصادی. گزارش چاپ شده. اداره بررسی‌ها و سیاست‌های اقتصادی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.

رکن‌الدین افتخاری، ر.؛ عارف‌نیا، خ.؛ سجاسی قیداری، ح.؛ فیروزنیا، ق.؛ صادقلو، ط.؛ دیانی، ل. و فتاحی، ا. (۱۳۸۹). «راهبردهای توسعه آموزش پایدار در ایران»، جغرافیا، سال ۸، ش ۲۵، ص ۶۶-۴۷.

افتخاری، ف. (۱۳۹۰). بررسی عوامل مؤثر بر فقر روستایی در استان کهگیلویه و بویراحمد، پایان‌نامه کارشناسی

<sup>1</sup> Brocklesby and Hinshelwood

<sup>2</sup> Swinton

[http://www.ostan-chb.ir/dorsapax/Data/Sub\\_20/File/salnameh90.zip](http://www.ostan-chb.ir/dorsapax/Data/Sub_20/File/salnameh90.zip)  
 رحیمی، ح. (۱۳۸۰). «بررسی اثر فقر بر محیط زیست»، *اطلاعات سیاسی اقتصادی*، سال ۱۶، ش ۱۲، ص ۲۱۴-۲۲۱.  
 رحیمی، م. و محمدی، ح. (۱۳۸۶). «شاخص‌های فقر و تغییرات رفاهی خانوارهای روستایی»، *رفاه اجتماعی*، سال ۶، ش ۳، ص ۱۰۵-۱۲۳.  
 رودگرمی، پ.؛ انصاری، ن. و فراهانی، ا. (۱۳۹۰). «بررسی عوامل اجتماعی اقتصادی مؤثر در تخریب منابع طبیعی استان تهران»، *تحقیقات مرتع و بیابان ایران*، سال ۱۸، ش ۱، ص ۱۷۱-۱۵۱.  
 سیداخلاقی شال، ح.؛ انصاری، ن. و یوسف کلافی، س. (۱۳۹۱). «بررسی عوامل اجتماعی اقتصادی مؤثر بر تخریب منابع طبیعی استان اردبیل، از دیدگاه بهره‌برداران و کارشناسان»، *تحقیقات مرتع و بیابان ایران*، سال ۱۹، ش ۱، ص ۱۴۸-۱۳۳.  
 شریفی‌نیا، ز.؛ مشیری، ر. و علی‌حسینی، ا. (۱۳۹۰). «نقش فقر روستایی بر توسعه پایدار (تخریب محیط زیست: مرتع)»، *فصلنامه جغرافیایی سرزمین*، سال ۷، ش ۲، ص ۲۹-۱۵.  
 عمران‌نی، م.؛ فرج‌زاده، ز. و ده‌مرده، م. (۱۳۸۸). «عامل‌های تعیین‌کننده فقر و تغییرات رفاهی خانوارهای روستایی و شهری ایران»، *تحقیقات اقتصاد کشاورزی*، سال ۱، ش ۲، ص ۴۲-۲.  
 فیروزآبادی، ا. و عظیم‌زاده، د. (۱۳۹۱). «فقر روستایی و تخریب محیط زیست»، *توسعه روستایی*، سال ۴، ش ۲، ص ۱۲۰-۹۹.  
 گلکار، م. (۱۳۸۲). *توسعه پایدار و محیط زیست در ایران*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران.  
 نجفی، ب. و شوشتریان، آ. (۱۳۸۶). «برآورد خط فقر، اندازه فقر و بررسی عوامل آن در خانوارهای روستایی و

ارشد توسعه روستایی، دانشکده کشاورزی، دانشگاه یاسوج.  
 البرز، م.؛ افتخاری، س. و گنجعلی، م. (۱۳۸۶). «عوامل تعیین‌کننده احتمال فقر افراد، با استفاده از مدل لوژیستیک تجمعی ترتیبی»، *رفاه اجتماعی*، سال ۶، ش ۳، ص ۱۳۹-۱۲۵.  
 انصاری، ن.؛ سیداخلاقی شال، ح. و قاسمی، م. (۱۳۸۷). «عوامل اجتماعی اقتصادی مؤثر در تخریب منابع طبیعی کشور و سهم آنها در تخریب»، *تحقیقات مرتع و بیابان ایران*، سال ۱۵، ش ۴، ص ۵۲۴-۵۰۸.  
 پورطاهری، م.؛ طالبی، ح. و رکن‌الدین افتخاری، ر. (۱۳۸۹). «تحلیل عوامل اقتصادی و اجتماعی مؤثر بر کاهش فقر روستایی با تأکید بر فقر غذایی: بخش خلیجستان استان قم» *برنامه‌ریزی و آمایش فضا*، سال ۱۵، ش ۲، ص ۸۰-۶۱.  
 تقی‌زاده رنجبری، ح. و زارع مهرجردی، م. (۱۳۹۲). «بررسی اثر تخریب محیط زیست بر فقر (در شهرستان کرمان)»، *اولین همایش ملی الکترونیکی کشاورزی و منابع طبیعی پایدار*، مؤسسه آموزش عالی مهر اروند، تهران.  
 خدادادکاشی، ف. (۱۳۷۷). «اندازه‌گیری فقر در ایران براساس خصوصیات اجتماعی و اقتصادی خانوارها: کاربرد شاخص سن در ایران»، *پژوهش‌نامه بازرگانی*، سال ۷، ش ۲، ص ۸۳-۶۱.  
 خدادادکاشی، ف. و باقری، ف. (۱۳۸۴). «برآورد خط فقر در ایران طی سال‌های ۱۳۶۳-۱۳۷۹»، *رفاه اجتماعی*، سال ۵، ش ۱، ص ۲۸-۱.  
 دفتر آمار و اطلاعات معاونت برنامه‌ریزی استانداری چهارمحال و بختیاری. (۱۳۹۰). *سالنامه آماری استان چهارمحال و بختیاری*. قابل دسترس با آدرس:

- Harris, Richard. B. (2009) "Rangeland Degradation on the Qinghai-Tibetan Plateau: A Review of the Evidence of Its Magnitude and Causes". *Journal of Arid Environments*, 74: 1- 12.
- International Fund for Agricultural Development (IFAD). (2007). <www.ifad.org>.
- Kassahun, A. Snyman, H. A. and Smit, G. N. (2008) "Impact of Rangeland Degradation on the Pastoral Production Systems, Livelihoods and Perceptions of the Somali Pastoralists in Eastern Ethiopia". *Journal of Arid Environments*, 72 (7): 1265- 1281.
- Li, S. Verburg, P. and Li, X. (2011) "Spatial Analysis of the Driving Factors of Grassland Degradation under Condition of Climate Change and Intensive Use in Inner Mongolia". *Regional Environmental Change*, 12: 461- 474.
- Lopez, A. Taylor, E. and Yunez, A. (2012) *Natural resource dependence in rural Mexico*, Retrieved from: [http://ageconsearch.umn.edu/bitstream/61230/2/poster\\_10436.pdf](http://ageconsearch.umn.edu/bitstream/61230/2/poster_10436.pdf).
- Mukherjee, S. and Benson, T. (2003) "The Determinants of Poverty in Malawi". *World Development*, 31(2): 339-358.
- Omuta, G. (2011) Poverty and Environmental quality in the Niger Delta region: dependence on biomass fuels as the source of household energy. *Centre for Population and Environmental Development*, Retrieved from: <https://www.africaportal.org/dspace/articles/poverty-and-environmental-quality-niger-delta-region-dependence-biomass-fuels-source>
- Patten, M. (2002) *Proposing empirical research*. Los Angeles, USA: Pyczak Publishing, 138 pages.
- Swinton, S. Escobar, G. and Reardon, T. (2003) "Poverty and Environment in Latin America: Concepts, Evidence and Policy Implications", *World Development*, 31(11): 1865- 1872.
- شهری ایران، *اقتصاد کشاورزی و توسعه*، سال ۱۵، ش ۳، ص ۲۴-۱.
- حمزه‌ای، م؛ شاه‌حسینی، ا؛ برزو، غ. و موسوی مطلوب، س. (۱۳۹۱). «شناخت فرهنگ فقر در روستایان شهرستان هرسین»، *رفاه اجتماعی*، سال ۱۲، ش ۲، ص ۲۴۰-۲۱۱.
- Ahmad, S. Islam, M. and Mirza, S. (2012) "Rangeland Degradation and Management Approaches in Balochistan Pakistan". *Pakistan Journal of Botany*, 44: 127- 136.
- Barbier, Edward, B. (2000) "The Economic Linkages between Rural Poverty and Land Degradation: Some Evidence from Africa". *Agriculture, Ecosystems and Environment*, 82(1): 355-370.
- Bhattacharya, H. and Innes, R. (2006) *Is there nexus between poverty and environment in rural India*, *American Agricultural Economics Annual Meeting*. Retrieved from: <http://ageconsearch.umn.edu/bitstream/21201/1/sp06bh01.pdf>.
- Brocklesby, M. and Hinshelwood, E. (2001) "Poverty and the Environment: What the Poor Say". *Center for Development Studies University of Wales Swansea*, 15(1):85-91.
- Duraiappah, A. (1999) "Poverty and Environmental Degradation: A Review and Analysis of the Nexus". *World Development*, 26(12): 2169-2179.
- Forsyth, T. and Leach, M. (1998) "Poverty and Environment: Priorities for Research and Policy an Overview Study". *Prepared for the United Nations development programme and European commission*. 49 pages.
- Gartton, B. (1996) "The Poverty and Impoverishment Theory". *Journal of Economic History*, 56 (1): 39- 61.